



نقد و بررسی معاد شیخ الرئیس

از نگاه استاد جلال الدین آشتیانی و استاد حسن زاده آملی

چکیده

موضوع این مقاله معاد جسمانی شیخ از دیدگاه علامه حسن زاده آملی و استاد جلال الدین آشتیانی است. شیخ قائل به عالم برزخ نیست؛ گرچه وی در کتاب شفا عالم خیال را مجرد دانسته ولی هیچ گونه اشاره‌ای به وجود عالم برزخ نکرده است. مسئله همین جاست، زیرا با اعتقاد نداشتن به عالم برزخ، معاد جسمانی او هم دچار مشکل می‌شود. ابن سینا در «شفا» تصریح می‌کند که ما دلیل عقلی بر معاد جسمانی نداریم ولی چون رسول صادق مصدق خبر داده است، از نظر شرع مسلم است. استاد حسن زاده آملی معتقد است که معاد مورد نظر ابن سینا جسمانی و روحانی است، هر چند در

منصوره برومند

کارشناس ارشد
فلسفه و کلام
اسلامی، کازرون

بعضی از کتب خود با بعضی از اصول مخالفت کرده است اما در نهایت آن را پذیرفته و به آن معتقد شده است.

استاد جلال الدین آشتیانی بر این باور است که کسانی مانند ابن سینا که معتقدند وقتی بدن نابود گردد دیگر بازگشت آن ناممکن خواهد بود و آنچه در قیامت حاضر خواهد شد نفس است، اینان در واقع آیات صریح قرآنی را که به روشنی بر جسمانی بودن معاد دلالت دارند، تأویل کرده‌اند. وی معتقد است ابن سینا منکر معاد جسمانی است و حتی به دلیل شرعی هم نمی‌تواند استناد کند. کلیدواژه‌ها: نفس، تجرد، تکامل، معاد جسمانی، قیامت

مقدمه

بحث درباره معاد از جمله مسائلی است که با هستی و زندگی انسان کاملاً ارتباط دارد و ذهن بشر متفکر را به خود مشغول داشته است؛ مسائلی از این قبیل که آیا آنچه در روز قیامت بازگردانده می‌شود روح است یا جسم؟ آیا حیات پس از مرگ در هر دو جنبه مادی و روحی صورت می‌پذیرد؟ آیا نحوه دیگری برای معاد وجود دارد؟ اکثر حکمای الهی معاد روحانی را باور دارند، آنچه دیدگاه‌های آن‌ها را متفاوت کرده بحث درباره معاد جسمانی است.

معاد

«معاد در لغت مصدر میمی یا اسم زمان یا اسم مکان از ماده «عود» و به معنای رجوع، یا زمان رجوع یا محل رجوع است. «معنای حقیقی معاد «مکان عود» است یا حالتی که شیئی داشته و از دست داده است و پس به آن بازگشت می‌کند.» (ابن‌سینا، ۱۳۵: ۷)

«گروهی از ملحدان و ماده‌گرایان، از ریشه و اساس منکر معادند و می‌گویند «طبیعت» ما را می‌آفریند و سپس می‌میراند.» (سبزواری، ۱۳۸۶: ۱۱۳). گروهی معاد را تنها جسمانی می‌دانند و از نظر آنان روح دارای موقعیتی مادی است که در بدن جریان دارد و با نابودی بدن پس از مرگ، روح نیز نابود می‌شود و چیزی به‌عنوان واقعیت انسان باقی نمی‌ماند تا در عالم دیگر برانگیخته شود. (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۵)

مشائین تنها معاد روحانی و عقلی را پذیرفته‌اند؛ زیرا معتقدند بدن بعد از مرگ نابود می‌گردد و چیزی از صورت آن باقی نمی‌ماند تا بار دیگر در قیامت اعاده شود ولی از آنجا که نفس، مجرد از ماده است، بعد از مرگ بدن به عالم مفارقات بازمی‌گردد (همان). اگر معتقد باشیم که علاوه بر جسم، یک جوهر مدرکی وجود دارد که به بدن تعلق دارد و تا زمانی که انسان زنده هست بدن را تدبیر می‌کند و بعد از مرگ نیز، باقی می‌ماند؛ در این صورت، معاد از جهتی جسمانی و از جهت دیگر روحانی است. (سبحانی، ۱۳۸۷)

معاد قرآن

معاد قرآن عبارت است از بازگرداندن همان بدنی که انسان با آن در دنیا زندگی کرده است. قرآن

بازگشت روح بدون بدن را نمی‌پذیرد. آیات ۷۲ و ۶۸ سوره توبه مؤید این مطلب است که معاد منحصر در معاد جسمانی نیست و قرآن معاد روحانی را نیز مطرح کرده است.

معاد ابن‌سینا

ما از دین و شریعت، نوعی از معاد را می‌پذیریم و برای اثبات آن راهی جز شریعت و تصدیق خبر پیامبران نداریم و این همان معاد جسمانی است و خیر و شر آن برای همگان آشکار است. نوع دیگر معاد، آن است که بر پایه عقل و برهان اثبات می‌شود و حکمای الهی برای رسیدن به این گونه سعادت، نسبت به سعادت مادی و جسمانی، اهمیت و علاقه بیشتری نشان می‌دهند. (ابن‌سینا، ۱۳۸۷) «گروهی معاد را تنها معاد جسمانی می‌دانند. علت سخن آنان این است که شریعت حق در چند جایگاه گفته است که مردگان را در آخرت برمی‌انگیزاند و عقوبت می‌کند» (ابن‌سینا، ۱۳۵: ۱۵). اگر نفوس بعد از مفارقت از بدن، دوباره به بدن باز گردند، مستلزم تناسخ است و تناسخ نیز باطل است (همان: ۲۵).

اصول زیربنایی معاد جسمانی و دیدگاه ابن‌سینا

اتحاد عاقل و معقول

ابن‌سینا از جمله مشائینی است که منکر بحث اتحاد عاقل و معقول شد. مشائین معتقدند که عاقل چون مجرد قائم به ذات خود است معقول است ولی معقول اگر قائم به ذات خود نباشد، مانند صور تجرید شده از موجودات مادی خارجی که قائم به نفس‌اند نه قائم به ذات خودشان؛ عاقل نیست (آملی، ۱۳۹۰).

حرکت جوهری

شیخ حرکت در جوهر را انکار می‌کند، همچنان که تمامی متأخران مشاء حرکت را در چهار مقوله کم، کیف، و این و وضع می‌دانستند. (آملی، ۱۳۸۶، ج ۱) از دید شیخ اگر حرکت در مقوله جوهر رخ دهد موضوع ثابتی برای آن باقی نخواهد ماند و مستلزم خلع بعد از لباس است.

تکامل برزخی

«تکامل برزخی یکی از مشکل‌ترین مسائل عقلی

ابن‌سینا در «شفا» تصریح می‌کند که ما دلیل عقلی بر معاد جسمانی نداریم ولی چون رسول صادق مصدق خبر داده است، از نظر شرع مسلم است

گروهی معاد را تنها معاد جسمانی می‌دانند. علت سخن آنان این است که شریعت حق در چند جایگاه گفته است که مردگان را در آخرت برمی‌انگیزاند و عقوبت می‌کند

نفس حتی از ابتدای تعلق به بدن - در چهار ماهگی جنین - و در مراحل اولیه خود، یعنی مرحله عقل بسیطه و به حسب ذات مجرد از ماده است (ابن‌سینا، ۱۳۷۵)

است؛ زیرا استكمال جز با حرکت و خروج از قوه به فعل ممکن نیست و اینکه نفس بعد از مفارقت از نشئه حرکت، چگونه استكمال در آن متصور است. (آملی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۴۱۷). از نظر شیخ، جسم به‌ناچار در وجود نفس شرط است اما در بقای آن نیازی به جسم نیست و شاید وقتی از آن جدا شود و نفس کامل نباشد نفس از امور دیگری غیر از آن جسم جهت استكمال بهره بگیرد. (آملی، ۱۳۸۸، ج ۲)

تجرد نفس

نفس حتی از ابتدای تعلق به بدن - در چهار ماهگی جنین - و در مراحل اولیه خود، یعنی مرحله عقل بسیطه و به حسب ذات مجرد از ماده است (ابن‌سینا، ۱۳۷۵). ابن‌سینا در طبیعیات شفا، در مبحث نفس سه برهان در نفی تجرد خیال متصل آورده است. او همچنین قوه وهم را مستقل دانسته و بر نفی تجرد آن استدلال کرده است که چون خیال جسمانی است قوه وهم که مدرکات آن صورت‌های جسمانی است، نیز باید مادی باشد (ابن‌سینا، ۱۳۷۵: ۲۶۶-۲۵۹).

نقد معاد جسمانی شیخ از دیدگاه جلال‌الدین آشتیانی

از آنجا که شیخ منکر حرکت در مقوله جوهر است، نمی‌تواند به تکامل ذاتی نفس قائل باشد و چون از دید او نفس روحانیه‌الحدوث است، یعنی نفس در ابتدای وجود جوهری مجرد آفریده شده، بنابراین اگر نفس جوهر مجرد بالفعل باشد، مقام تحصیل ذاتی آن همان است که از اول وجود به آن داده شده است. نتیجه آنکه از لحاظ عقل عملی و نظری به کمال رسیده است و چیزی به جوهر او افزوده نمی‌شود و محال است چنین عقل مجرد بالفعلی به بدن تعلق بگیرد. (آشتیانی، ۱۳۵۴).

نوسان‌های شیخ از دیدگاه علامه حسن‌زاده‌آملی

«در عبارت‌های شیخ نوسان وجود دارد. یک‌جا می‌فرماید که انسان آنچه ادراک می‌کند به اتحاد عاقل و معقول و مدرک به مدرک نیست. مانند اینکه در اوایل شفا می‌فرماید که «لسّ ادری» که این چطور است که شیئی به شیئی مدرک می‌شود؟» (آملی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۳۴۷) حال سؤال

اینجاست که اگر شیخ بحث اتحاد عاقل و معقول را انکار می‌کند، چگونه می‌تواند بیان کند بخشی از عقاب نفس بر گناهی داخل است؟ (آملی، ۱۳۸۸، ج ۲) شیخ معتقد است که عقاب داخلی، مانند بیماری بدن به‌سبب پرخوری است. شیخ معترف است که «کون الرجل من الصبی» به‌نحو استكمال است و چاره‌ای ندارد که این استكمال را به‌نحو حرکت جوهری بپذیرد. (بهشتی، ۱۳۸۹) «بحث تکامل برزخی و نظیر آن از کلام شرع و منطق وحی در کتب فلسفی وارد شده والا فیلسوف از کجا به فکر تکامل برزخی افتاده است؟ حال اگر این موضوع را از منطق شرع به‌دست آورده، اکنون در یافتن برهان و اثبات آن عاجز مانده است» (آملی، ۱۳۸۸: ۱۵۸).

بررسی معاد شیخ از دیدگاه علامه حسن‌زاده‌آملی

شیخ در الهیات شفا می‌فرماید: «واجب است بدانید معادی که منقول از شرع است راهی برای اثبات آن جز از طریق شریعت و تصدیق خبر پیامبر نیست و آن بدن هنگام بعث است و خیر و شر آن معلوم است و نوع دیگر آن به‌وسیله عقل و قیاس برهانی ادراک می‌شود و پیامبر آن را تصدیق می‌کند و آن سعادت و شقاوتی است که قیاس آن برای نفس اثبات شده و اوهام از تصور آن عاجز است.» (ابن‌سینا، ۱۳۷۶) «وقتی که شیخ می‌فرماید «وقتی نفس از بدن مفارقت کند»، منظور بدن عنصری است، اما وقتی می‌گوید: «و هو الذی للبدن عندالبعث»، منظور بدن آخری است و وقتی می‌گوید «و خیرات و شرور بدن مشخص است نیازی به دانستن آن نیست»، بیان جزاء موافق با عمل است. همان‌طور که خداوند در سوره نبا آیه ۲۶ می‌فرماید: «جزاءً وفاقاً»، پس از توان افکار ما بیرون است، همان‌طور که اگر پیدایش میوه‌ها از درختان را نمی‌دیدیم برای ما معلوم نبود.» (آملی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۴۷۴) شیخ در شفا می‌فرماید:

فإن الصّور الخیالیة لیست تضعف عن الحسیة بل تزاد علیها تأثیراً و صفاءً (ابن‌سینا، ۱۳۷۶: ۴۷۴-۴۷۳)؛ صور خیالی از صور حسی پست‌تر نیست. این سخن باعث شد که شیخ از آن افسانه‌های بی‌دینی که به او بسته بودند رهایی پیدا کند (آملی، ۱۳۸۸، ج ۲). شیخ در فصل هفتم از مقاله نهم الهیات شفا



انسان را دارای هر دو معاد دانسته است اما به ایجاز و رمز آن را بیان کرده و تنها با کاوش در کلمات او می‌توان به آن پی برد. (آملی، ۱۳۸۸، ج ۲)

نتیجه

به نظر می‌رسد آنچه باعث شده ابن‌سینا را در زمره معتقدین به معاد روحانی قرار دهند این است که از دید او نفس مجرد، باقی و فناپذیر است؛ لذا معاد آن با استدلال و برهان قابل اثبات است اما از آنجا که او نتوانسته معاد جسمانی را با عقل فلسفی و برهان اثبات کند و آن را به شرع مقدس واگذار کرده است، او را متهم به کفر و بی‌دینی کرده‌اند. از دید آشتیانی چون ابن‌سینا بر امتناع معاد جسمانی و بازگشت نکردن روح به بدن دنیوی اقامه برهان کرده است؛ پس در قبول معاد جسمانی نمی‌تواند مقلد باشد و به قول شرع استناد کند. به‌زعم او ابن‌سینا منکر معاد جسمانی و معتقد به معاد روحانی است. علامه حسن‌زاده‌آملی می‌فرماید: «گرچه شیخ در ابتدا مسائلی مانند اتحاد عاقل و معقول، حرکت در جوهر، تکامل برزخی و غیر آن‌ها را که پایه و اساس اعتقاد به معاد جسمانی است انکار کرده است اما در نهایت این مسائل را پذیرفته و از نظر او معاد ابن‌سینا، جسمانی و روحانی است.»

۸. حسن‌زاده‌آملی، حسن، اتحاد عاقل و معقول، چاپ سوم، انتشارات بوستان کتاب، قم، ۱۳۹۰.

۹. _____، باهتمام جواد، فاضل بخشایشی، دروس شرح اشارات و تنبیهات (نمط سوم)، ج اول، چاپ دوم، انتشارات آیت اشراق، قم، ۱۳۸۹.

۱۰. حسن‌زاده‌آملی، حسن، باهتمام صادق، حسن‌زاده، دروس شرح اشارات و تنبیهات (نمط هشتم)، چاپ اول، انتشارات آیت اشراق، قم، ۱۳۸۸.

۱۱. حسن‌زاده‌آملی، حسن، عیون مسائل نفس و سرح العیون در شرح عیون مسائل نفس، مترجم محمدحسین نائیجی، ج دوم، چاپ اول، انتشارات قائم آل محمد(عج)، قم، تابستان ۱۳۸۸.

۱۲. حسن‌زاده‌آملی، حسن، عیون مسائل نفس و سرح العیون در شرح عیون مسائل نفس، مترجم محمدحسین نائیجی، ج اول، چاپ اول، انتشارات بکا، قم، زمستان ۱۳۸۶.

۱۳. سبحانی، جعفر، معادشناسی، مقدمه و ترجمه علی شیروانی، چاپ چهارم، انتشارات دارالفکر، قم، ۱۳۸۷.

۱۴. _____، منشور جاوید، ج ۵، چاپ اول، انتشارات موسسه امام صادق، قم، ۱۳۸۳.

۱۵. شریعتی‌سبزواری، محمدباقر، معاد در نگاه عقل و دین، چاپ ششم، انتشارات بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۰.

منابع

- قران
- آشتیانی، جلال‌الدین، معاد جسمانی (شرح زاد المسافر)، انتشارات انجمن حکمت و فلسفه ایران، مشهد، ۱۳۵۴.
- ابن‌سینا، النفس من کتاب الشفاء، تحقیق حسن حسن‌زاده‌آملی، طبع الاولی، مرکز النشر التابع لمكتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۳۷۵ ش.
- _____، الهیات من کتاب شفاء، تحقیق حسن حسن‌زاده‌آملی، الطبعة الثالثة، مرکز النشر التابع لمكتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۳۸۷ ش.
- _____، الهیات من کتاب شفاء، تحقیق حسن حسن‌زاده‌آملی، الطبع الاولی، مرکز النشر التابع لمكتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۳۷۶ ش.
- _____، رساله‌ی اضحویه، مترجم نامعلوم، تصحیح و تعلیق حسین خدیو جم، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، [بی‌جا]، ۱۳۵۰.
- بهشتی، احمد، تجرید (شرح نمط هفتم اشارات و تنبیهات)، چاپ سوم، انتشارات بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۹.

از نظر شیخ، جسم به‌ناچار در وجود نفس شرط است اما در بقای آن نیازی به جسم نیست و شاید وقتی از آن جدا شود و نفس کامل نباشد نفس از امور دیگری غیر از آن جسم جهت استكمال بهره بگیرد